فصلنامه علمی پژوهشی حسابداری مالی/سال ششم/ شماره ۲۴ /زمستان ۹۳/صفحات ۲۱- ۱

بررسی تاثیر فرصت‌های سرمایه‌گذاری صاحبکار بر حق‌الزحمه‌ی حسابرسان متخصص

سید علی واعظ*
بابک عابدی صدقیانی**
اشکان نخیلی***

تاریخ دریافت: ۹۳/۰۴/۲۵ تاریخ پذیرش: ۹۳/۱۰/۱۷

چکیده:

هدف این پژوهش، بررسی رابطه‌ی فرصت‌های سرمایه‌گذاری مختص صاحبکار بر حق‌الزحمه‌ی حسابرسان متخصص صنعت شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. در این پژوهش از متغیر ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام، به عنوان شاخص فرصت‌های سرمایه‌گذاری صاحبکار و حاصل ضرب تخصص در فرصت سرمایه‌گذاری صاحبکار، به عنوان شاخص مازاد ناشی از تخصص استفاده شده است. به همین منظور، داده‌های مربوط به شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران برای دوره زمانی ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۱ استخراج و از الگوی رگرسیونی داده‌های ترکیبی برای آزمون فرضیه‌ها استفاده گردید. نتایج پژوهش نشان داد که رابطه‌ی فرصت‌های سرمایه‌گذاری صاحبکار با حق‌الزحمه حسابرسی معنی‌دار اما در جهت منفی است. همچنین، فرصت‌های سرمایه‌گذاری

* استادیار حسابداری، دانشگاه شهید چمران اهواز، گروه حسابداری، اهواز، ایران (نویسنده مسئول)
Email: sa.vaez@scu.ac.ir
** مربی حسابداری، دانشگاه شهید چمران اهواز، گروه حسابداری، اهواز، ایران
*** کارشناس ارشد حسابداری، دانشگاه شهید چمران اهواز، گروه حسابداری، اهواز، ایران

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-22]

صاحبکار به طور منفی و معنی‌دار بر مازاد ناشی از تخصص، تاثیر می‌گذارند. به عبارت دیگر، افزایش فرصت‌های سرمایه‌گذاری شرکت‌ها موجب کاهش حق‌الزحمه حسابرسی می‌شود که احتمالاً به افزایش کیفیت افشای اطلاعات توسط شرکت‌های مذکور مربوط می‌شود.

واژه‌های کلیدی: حق‌الزحمه‌ی حسابرسان متخصص، فرصت‌های سرمایه‌گذاری، مازاد ناشی از تخصص، متخصص صنعت، کیفیت افشا.

۱- مقدمه:

دمسکی و سویرینگ[1] (۱۹۷۴) بیان می‌کنند که حسابرس مستقل بخش مهمی از سیستم گزارشگری مالی را تشکیل می‌دهد. استفاده از حسابرس مستقل می‌تواند بیانگر ایفای تعهدات مدیریت نسبت به سرمایه‌گذاران باشد و در نتیجه حق‌الزحمه حسابرسی را می‌توان هزینه‌ای در نظر گرفت که صاحبکار در ازای ایفای این تعهدات به حسابرس پرداخت می‌کند. عوامل موثر بر حق‌الزحمه‌ی حسابرسی در دو گروه اصلی تقسیم شده‌اند: الف) عوامل مربوط به عرضه‌کنندگان خدمات حسابرسی و ب) عوامل مربوط به متقاضیان خدمات حسابرسی (الهارشانی[2]، ۲۰۰۸).

جونز[3] (۱۹۹۵) اعتقاد دارد یکی از مباحثی که ممکن است حسابرسان در جریان حسابرسی شرکت‌ها با آن روبرو شوند، بحث سرمایه‌گذاری صاحبکاران در زمینه‌های متفاوت است. به طور کلی سرمایه‌گذاری به عنوان فرآیند تبدیل وجوه مالی به یک یا چند نوع دارایی که برای مدتی در زمان آتی نگهداری خواهد شد، تعریف می‌شود.

فرصت‌های سرمایه‌گذاری نقش مهمی در تامین مالی شرکت ایفا می‌کنند. ترکیب دارایی‌های واقعی (سرمایه‌گذاری موجود یک شرکت که قبلاً انجام شده‌اند) و فرصت‌های سرمایه‌گذاری بر ساختار سرمایه، سررسید و ساختار تعهدات بدهی، سیاست تقسیم سود، قراردادهای پاداش و سیاست‌های حسابداری یک شرکت تاثیر می‌گذارند (آدام و گویال[4]، ۲۰۰۶). علاوه بر این شرکت‌های با فرصت‌های سرمایه‌گذاری بالا ممکن است برای مهار کردن مدیریت سود تقاضای بیشتری برای حسابرسی با کیفیت بالا داشته باشند، زیرا آن ها انعطاف‌پذیری بیشتری در ارائه صلاحدید استفاده از اقلام تعهدی نسبت به شرکت‌های با فرصت سرمایه‌گذاری پایین دارند (وکیلی‌فرد و همکاران، ۱۳۹۲). از آن جایی که فرصت‌های

1. Demski ,J. & R, Swieringa
2. Al-Harshani, M. O
3. Jones, E
4. Tim Adam & Vidhan K.Goyal

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-22]

سرمایه‌گذاری با کیفیت حسابرسی و کیفیت حسابرسی نیز با حق‌الزحمه دارای رابطه‌ای مستقیم هستند، می‌توان نتیجه گرفت که فرصت‌های سرمایه‌گذاری دارای رابطه معناداری با حق‌الزحمه است از این رو در این پژوهش سعی شده است تا به این مساله پرداخته شود که آیا فرصت‌های سرمایه‌گذاری صاحبکار که می‌توانند در دسته عوامل مربوط به متقاضیان خدمات حسابرسی جای گیرند، بر حق‌الزحمه حسابرسان متخصص صنعت تاثیر می‌گذارند؟ و در صورت مثبت بودن جواب این سوال، این تاثیر چگونه و در چه جهتی است.

۲- مبانی نظری:

پاسخ‌گویی به عموم، لازمه عملی کردن فرایند دموکراسی است و یکی از ابزارهای اصلی پاسخ‌گویی در عرصه فعالیت‌های اقتصادی، حسابرسی و حسابدهی است. اما به رغم وسعت کارهای حسابرسی، تعیین حق‌الزحمه این خدمت در کشور ما بر یک مدل علمی استوار نیست و بر یک مبنای منطقی و قابل دفاع نمی‌توان گفت این کار با توجه به ویژگی‌های واحد مورد رسیدگی، با چه هزینه‌ای انجام شدنی است (نیکبخت، تنانی ۱۳۸۹).

حق‌الزحمه‌های حسابرسی بازتابی از کیفیت حسابرسی برای استفاده‌کنندگاه خارجی از صورت‌های مالی است. دمسکی و سویرینگ (۱۹۷۴) بیان می‌کنند که حسابرس مستقل بخشی مهم از سیستم گزارش‌گری مالی را تشکیل می‌دهد. استفاده از حسابرس مستقل می‌تواند بیان‌گر ایفای تعهدات مدیریت صاحبکار نسبت به سرمایه‌گذاران باشد و حق‌الزحمه حسابرسی را می‌توان هزینه‌ای در نظر گرفت که صاحبکار در ازای ایفای این تعهدات به حسابرس پرداخت می‌کند. از طرفی میزان حق‌الزحمه حسابرسی، به میزان کار صورت گرفته برای بررسی صورت-های مالی نیز بستگی دارد. تفاوت در حق‌الزحمه حسابرسی موسسات مختلف ناشی از تفاوت در میزان و به نوعی کیفیت کار آن‌هاست و این حق‌الزحمه باید هزینه‌های صورت گرفته توسط موسسات را پوشش دهد.

حق‌الزحمه موسسات حسابرسی از سه بخش تشکیل می‌شود: اول، هزینه‌های ذاتی حسابرسی (شامل رویه‌های حسابرسی مورد نیاز، انتشار گزارش و هزینه فرصت از دست رفته)، سپس هزینه‌های مورد انتظار (شامل ریسک و هزینه‌های بالقوه ناشی از اجرای حسابرسی) و در نهایت، سود موسسه حسابرسی (سیمونیک[1]،۱۹۸۰). صاحبکاران امیدوار به کاهش هزینه

1. Simunic. D

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-22]

سیستم‌های گزارشگری بوده و در مقابل حسابرسان امیدوار به کسب سودی معقول از انجام حسابرسی هستند و حق‌الزحمه حسابرسی نتیجه‌ی حداکثر کردن منافع دو طرف است.

موضوع کیفیت حسابرسی برای شرکت‌های با فرصت‌های سرمایه‌گذاری بالا نسبت به شرکت‌های با فرصت‌های سرمایه‌گذاری پایین بیشتر مطرح است. به عبارت دیگر، وابستگی فرصت‌های سرمایه‌گذاری به کیفیت حسابرسی دارای اهمیت می‌باشد. اغلب این موضوع بحث شده است که کیفیت حسابرسی با توجه به کم کردن عدم تقارن اطلاعاتی بین شرکت و سرمایه‌گذاران، موجب کاهش هزینه‌های انتخاب ناسازگار و یا هزینه‌های نمایندگی می‌شود (وکیلی‌فرد و طالب‌نیا، ۱۳۹۱). همچنین در پژوهش ثقفی و همکاران (۱۳۹۱) به نقل از دی‌آنجلو (۱۹۸۱) بیان شده که موسسات حسابرسی بزرگ‌تر بیش‌تر از موسسات دیگر سعی می‌کنند تا کار با کیفیت‌تری را به انجام برسانند تا از این طریق خود را در برابر دعاوی حقوقی احتمالی که اعتبار آن‌ها را خدشه‌دار خواهد ساخت، پرهیز کنند.

از طرفی پرداختن به کیفیت حسابرسی و فرصت‌های سرمایه‌گذاری از این نظر با اهمیت است که به سرمایه‌گذاران این امکان را می‌دهد تا بتوانند با توجه به سطح ریسک‌پذیریشان در شرکت‌هایی سرمایه‌گذاری کنند که فرصت‌های سرمایه‌گذاری آن‌ها زیاد باشد، زیرا کیفیت حسابرسی در این شرکت‌ها بالا بوده و ریسک سرمایه‌گذاری در این شرکت‌ها ناچیز می‌باشد.

اسلامی بیدگلی و بیگدلو (۱۳۸۵) بیان می‌کنند که اصولاً یک فرصت سرمایه‌گذاری نشان‌دهنده‌ی مجموعه‌ای از سیاست‌ها و خط‌مشی‌های سرمایه‌گذاری است و با گذشت زمان همواره مورد تجدیدنظر شرکت قرار می‌گیرد. همچنین می‌تواند شامل عوامل محیطی که شرایط مساعدی را برای شرکت فراهم می‌کنند، مانند بازار رو به رشد برای محصولات شرکت (داخلی و بین‌المللی)، عوامل محدودکننده رقابت، تغییرات در نرخ ارز در جهت منافع شرکت، وضعیت مالی که آینده اطمینان‌بخشی را برای صنعت یا شرکت نوید می‌دهد و یا شناسایی بازار جدید، باشد.

در مورد مازاد حق‌الزحمه‌ی[1] ناشی از تخصص، پژوهش‌های متعددی وجود دارند که برای شرکت‌های درون یک صنعت، تفاوت‌هایی قائل هستند. از جمله مطالعاتی که بر موقعیت بازار حسابرس (تقاضا برای حسابرس)، تمرکز می‌کنند. برای مثال، می‌هو و ویلکینز[2] (۲۰۰۳) معتقدند که این مازاد فقط برای متخصصانی است که نسبت به رقیبان، سهم بیشتری از بازار را

1. fee premium
2. Mayhew, B. W., and M. S. Wilkins

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-22]

در اختیار خود دارند. کهان و همکاران[1] (۲۰۱۱) دریافتند که مازاد ناشی از تخصص، رابطه‌ای معکوس با تعداد شرکت‌هایی که در یک صنعت توسط حسابرسان متخصص حسابرسی شده‌اند، دارد. یک رویکرد جایگزین، تمرکز بر تفاوت‌های موجود در ویژگی‌های صنعت است. کهان و همکاران[2] (۲۰۰۸) بیان می‌کنند که حسابرسان متخصص به صنایعی علاقه‌مندند که دارای فرصت‌های سرمایه‌گذاری بیشتری هستند. آنها با استفاده از داده‌های مرتبط با صنعت، به این نتیجه رسیدند که در این‌گونه صنایع حق‌الزحمه‌ها بالاتر هستند. هم‌سو با پژوهش‌های کهان و همکاران، فرانسیس و سیوی[3] (۲۰۱۲) به این مسئله اشاره کردند که تخصص در صنعت زمانی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند که صنعت دارای پیچیدگی‌های زیادی باشد. این امر منجر به دریافت مازاد توسط حسابرسانی می‌شود که در صنایع پیچیده، تخصص کسب کرده‌اند.

اوکیف و همکاران[4] (۱۹۹۴) استدلال می‌کنند که محصول حسابرسی تابعی از اطلاعات عمومی حسابرس از شرکت و صنعت است. در پژوهش حاضر سعی شده است که با استفاده از دسته‌بندی دانش حسابرس که توسط اوکیف و همکاران ارائه شده، به بحث در مورد این مسئله بپردازیم که با متفاوت شدن فعالیت صاحبکار از دیگر شرکت‌های صنعت، حتی اگر حسابرس در آن صنعت تخصص داشته باشد، باز هم نیازمند سرمایه‌گذاری بیشتر برای کسب اطلاعات منحصر به صاحبکار است. به عنوان مثال کهان و همکاران (۲۰۱۳) مدعی هستند که در شرکت‌هایی که به شدت متمایز هستند، سرمایه‌گذاری حسابرس در دانش مرتبط با صنعت کمتر قابل کاربرد خواهد بود و ممکن است که حسابرس نتواند حق‌الزحمه بالاتری دریافت کند. در صورتی که اگر تمامی شرکت‌های موجود در صنعت به طور کامل همگن باشند، حسابرس توانایی دریافت حق‌الزحمه بالاتر به واسطه‌ی تخصص خود را دارد. در نتیجه افزایش در نیاز به دانش مختص صاحبکار و کاهش سودمندی دانش مرتبط با صنعت، منجر به افزایش حق‌الزحمه ناشی از دانش منحصر به صاحبکار و به طور بالقوه کاهش حق‌الزحمه ناشی از تخصص در صنعت، برای شرکت‌های متمایز نسبت به دیگر شرکت‌های موجود در صنعت می‌شود. پژوهش حاضر اولین پژوهشی است که به بررسی تغییرات حق‌الزحمه‌های دریافتنی توسط متخصصان صنعت، در میان شرکت‌های یک صنعت می‌پردازد. بنابراین فرضی که در پیشینه پژوهش در مورد مازاد ناشی از تخصص بیان شده و برای تمامی شرکت‌های موجود در یک صنعت به طور

1. Cahan, et al.
2. Cahan , et al.
3. Francis, et al.
4. O'Keefe, et al.

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-22]

مساوی به کار برده می‌شود، ممکن است مخدوش شود و منجر به شواهد نامفهوم و گیج‌کننده‌ای گردد.

متغیر استفاده شده برای اندازه‌گیری دانش مختص صاحبکار، عنصر فرصت‌های سرمایه‌گذاری منحصر به صاحبکار است. کهان و همکاران (۲۰۱۱) با به کارگیری داده‌های در سطح صنعت، دریافتند که تخصص در صنعت زمانی با اهمیت‌تر است که مجموعه فرصت‌های سرمایه‌گذاری صنعت، بیشتر و همگن‌تر است و حق‌الزحمه حسابرسی به طور مثبتی با سطح و درجه همگنی فرصت‌های سرمایه‌گذاری صنعت مرتبط است. آنها با بررسی فرصت‌های سرمایه‌گذاری صنعت و همگن بودن این فرصت‌ها، دریافتند که در حالی که حق‌الزحمه‌های حسابرسی به طور مثبت با فرصت‌های سرمایه‌گذاری صاحبکار مرتبط‌اند، مازاد قابل دریافت ناشی از تخصص در صنعت با افزایش فرصت‌های سرمایه‌گذاری صاحبکار، کاهش می‌یابند.

۳- پیشینه‌ی پژوهش:

پژوهش‌های پیشین در مورد توانایی متخصصین صنعت در دریافت حق‌الزحمه بیشتر، نتایج مختلفی در بر داشته‌اند.

به عنوان مثال، کراس‌ول و همکاران[1] (۱۹۹۵) شواهدی در مورد مازاد دریافتی توسط متخصصان را با استفاده از یک معیار جهانی تخصص جمع‌آوری کردند. فرگوسن و همکاران[2] (۲۰۰۳) و فرانسیس و همکاران[3] (۲۰۰۵) حق‌الزحمه بیشتر را برای حسابرسان متخصص در سطح شهر در نظر گرفتند و کارسون[4] (۲۰۰۹) مازاد را برای حسابرسانی در نظر گرفت که در یک صنعت در سطح جهانی پیشرو هستند. از سوی دیگر، پژوهش‌هایی از قبیل پیرسون و ترامپیتر[5] (۱۹۹۴)، فرگوسن و استاکس[6] (۲۰۰۲) و فرانسیس و یو[7] (۲۰۰۹) از فرضیه حق‌الزحمه بیشتر برای حسابرس حمایت نمی‌کنند.

1. Craswell, et al.
2. Ferguson, et al.
3. Francis, et al.
4. Carson
5. Pearson, nd G. Trompeter
6. Ferguson & Stokes
7. Francis & Yu

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-22]

استنلی و دیزورت[1] (۲۰۰۷) دریافتند که حق‌الزحمه‌ی حسابرسی با تداوم انتخاب حسابرس در سال‌های اولیه مرتبط است و ابراز داشتند که با افزایش سطح اهمیت صاحبکار، استقلال حسابرس نیز در سال‌های اولیه افزایش می‌یابد.

بو و شارما[2] (۲۰۰۸) به این نتیجه رسیدند که بین متغیرهای حاکمیت شرکتی و حق‌الزحمه‌های حسابرسی رابطه معناداری وجود ندارد. ولی، بین استقلال کمیته‌ی حسابرسی و حق‌الزحمه‌ی حسابرسی رابطه‌ی عکس وجود دارد. چرا که با توجه به استقلال کمیته حسابرسی، ریسک کنترلی و گزارشگری مالی کاهش می‌یابد و حسابرسان تلاش کمتری را برای انجام حسابرسی انجام می‌دهند.

لیم و تان[3] (۲۰۱۰) معتقدند که حق‌الزحمه‌های حسابرسی به طور معکوسی اثر تخصص حسابرس بر کیفیت حسابرسی را در بلندمدت، محدود می‌کنند.

فرانسیس و سیوی (۲۰۱۲) بیان می‌کنند که نتایج متناقض ممکن است ناشی از یک طرح پژوهش ضعیف باشد. به این معنی که در اکثر پژوهش‌های پیشین، پژوهشگر از یک متغیر موهومی برای شناسایی صاحبکارانی که از حسابرسان متخصص (حسابرسان متخصص بر اساس برخی معیارها مانند سهم بازار یا پیشرو بودن شناسایی می‌شوند) بهره جسته‌اند، استفاده کرده‌اند. بنابراین درحالی که شناسایی حسابرسان متخصص بر اساس سطح صنعت تعیین می‌شود، اثر این انتخاب بر حق‌الزحمه پرداختی برای یک شرکت در یک صنعت مشخص، یک مفهوم مرتبط با شرکت است. در طرف مقابل اکثر پژوهش‌های صورت گرفته تاکنون، فرض کرده‌اند که مازاد ناشی از تخصص در تمام صنایع ثابت است. تنها چند پژوهش امکان متفاوت بودن مازاد ناشی از تخصص در میان صنایع را در نظر گرفته‌اند و پژوهش کهان و همکاران (۲۰۱۳)، اولین پژوهشی است که متفاوت بودن این مازاد را در میان شرکت‌های موجود در یک صنعت به طور بالقوه در نظر می‌گیرد.

حداقل دو پژوهش بر رابطه‌ی میان مازاد ناشی از تخصص و موقعیت بازار حسابرس تمرکز کرده‌اند. می‌هو و ویلکینز (۲۰۰۳) به جست‌وجوی حق‌الزحمه‌های پرداخت شده توسط صاحبکاران حسابرسان متخصص که عرضه اولیه عمومی انجام داده‌اند، پرداختند. آن‌ها به این نتیجه رسیدند که حق‌الزحمه حسابرسان به طور کلی زمانی که سهم بازار حسابرس افزایش می‌یابد، کاهش خواهد یافت و این موضوع با این دیدگاه سازگار است که حسابرسان از

1. Stanley, Jonathan D. and Dezoort, Todd
2. Boo,El'Fred, Sharma, Divesh
3. Lim, Chee Yeow and Tan, Hun-Tong

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-22]

صرفه‌جویی ناشی از مقیاس، منتفع می‌شوند. به‌علاوه، آن‌ها شواهدی در مورد مازاد ناشی از تخصص به‌دست آوردند که بر اساس آن، زمانی که متخصصان بتوانند به طور محسوسی خود را از رقیبان متمایز کنند (به این معنی که سهم بازار آن‌ها از نزدیک‌ترین رقیب خود حداقل ده درصد بیشتر باشد) حسابرسی با کیفیت بالاتری را پیشنهاد می‌کنند که نیازمند حق‌الزحمه بالاتری خواهد بود. کهان و همکاران (۲۰۱۱) اشاره می‌کنند که سهم بازار را می‌توان از روش‌های مختلف به‌دست آورد. از یک سو، حسابرس می‌تواند یک صاحبکار برجسته در صنعت را حسابرسی کند و از سوی دیگر، می‌تواند با حسابرسی تعداد زیادی صاحبکاران نسبتاً کوچک، سهم بالایی در بازار به‌دست آورد. آن‌ها به بررسی این موضوع پرداختند که چگونه حق‌الزحمه و کیفیت حسابرسی می‌توانند بر اساس آن بخش از صنعت که توسط متخصصان حسابرسی می‌شود، تغییر کنند. نتایج نشان داد که مازاد ناشی از تخصص و کیفیت حسابرسی، زمانی که متخصص بخش کوچک‌تری (بزرگ‌تری) از شرکت‌های صنعت را حسابرسی می‌کند، بیشتر (کمتر) است.

سه پژوهش دیگر به کاوش در مورد ویژگی‌های خاص صنعت که بر توانایی حسابرس برای پیشنهاد حسابرسی با کیفیت‌تر و در نتیجه حق‌الزحمه بالاتر تاثیر می‌گذارند، می‌پردازند. فرانسیس و سیوی (۲۰۱۲) ادعا می‌کنند که دانش حسابرس از صنعت، زمانی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند که صنعت پیچیده باشد. آن‌ها از راهنماهای منتشر شده توسط انجمن حسابداران رسمی آمریکا در مورد صنعت، برای شناسایی صنایع پیچیده استفاده کردند و به این نتیجه رسیدند که رهبری صنعت در سطح اداری[1] (دفتری) که معیار تخصص در صنعت است، زمانی که پیچیدگی در صنعت بالا باشد، با حسابرسی با کیفیت بالاتر و حق‌الزحمه بالاتر مرتبط است. در طرف مقابل بیلز، جتر و استین[2] (۲۰۱۳) بیان می‌کنند زمانی که یک صنعت دارای ویژگی‌های همگنی عملیاتی و پیچیدگی حسابداری باشد، حسابرسان متخصص نسبت به حسابرسانی که در دیگر صنایع مشغول به کار هستند، بخشی از صرفه‌جویی ناشی از مقیاس خود را به صاحبکاران منتقل می‌کنند که منجر به تخفیف در حق‌الزحمه دریافتنی می‌شود. کهان و همکاران (۲۰۱۳) معتقدند که حسابرسان تمایل به کسب تخصص در صنایعی دارند که دارای فرصت‌های سرمایه‌گذاری بیشتری هستند. تعدد فرصت‌های سرمایه‌گذاری در صنعت موجب ایجاد انگیزه برای سرمایه‌گذاری در دانش مختص صنعت برای حسابرسان می‌شود که دربرگیرنده‌ی هزینه‌های زیادی است. در حیطه‌ی تئوری، حسابرس با دانش بالاتر در صنعت،

1. Office-level industry leadership
2. Bills, K. L., D. C. Jeter, and S. E. Stein

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-22]

می‌تواند محصول متمایزی (حسابرسی با کیفیت‌تری) که منتج به حق‌الزحمه بالاتر و جلوگیری از ورود رقیبان می‌شود، ارائه کند. آن‌ها با استفاده از داده‌های صنعت دریافتند که صنایع با فرصت‌های سرمایه‌گذاری بیشتر به احتمال زیاد از متخصصان صنعت استفاده خواهند کرد و حق‌الزحمه‌ها به طور کلی در این صنایع بالاتر است. اما آن‌ها در پژوهش خود، فقط بر داده‌های صنعت تکیه کردند و بنابراین به طور مستقیم به بررسی مازاد ناشی از تخصص نپرداخته‌اند.

۴- فرضیه‌های پژوهش:

با توجه به مطالب ذکر شده، فرضیه‌های پژوهش به شکل زیر تدوین شده‌اند :

۱- حق‌الزحمه‌ی حسابرسی برای صاحبکارانی که دارای مجموعه فرصت‌های سرمایه‌گذاری بیش‌تری هستند، نسبت به صاحبکارانی که دارای مجموعه فرصت‌های سرمایه‌گذاری کمتری هستند، بالاتر است.

۲- مازاد ناشی از تخصص در صنعت، برای صاحبکارانی که دارای مجموعه فرصت‌های سرمایه‌گذاری بیش‌تری هستند، نسبت به صاحبکارانی که دارای مجموعه فرصت‌های سرمایه‌گذاری کمتری هستند، کمتر است.

۵- جمعیت آماری، روش نمونه‌گیری و حجم نمونه :

جامعه‌ی آماری این پژوهش، شرکت‌های فعال در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد که اطلاعات مالی آن‌ها برای دوره‌ی زمانی مشخص شده در دسترس باشد.

نمونه‌گیری پژوهش حاضر به صورت مرحله‌ای هدفمند می‌باشد. به این صورت که در هر مرحله از بین کلیه‌ی شرکت‌های موجود، شرکت‌هایی که هر یک از شرایط اشاره شده در ذیل را داشته، حذف شده و در نهایت کلیه‌ی شرکت‌های باقی مانده جهت انجام آزمون انتخاب خواهند شد:

۱.شرکت‌هایی که در قلمرو زمانی پژوهش وارد بورس شده‌اند.

۲. شرکت‌هایی که سال مالی آنها به ۱۲/۲۹ ختم نمی‌شود.

۳. شرکت‌هایی که در فاصله زمانی پژوهش ارزش دفتری منفی داشته‌اند.

۴. شرکت‌هایی که اطلاعات آنها برای محاسبه‌ی متغیرها ناقص بوده و یا در دسترس نبوده‌اند.

۵. شرکت‌هایی که در بخش سرمایه‌گذاری، واسطه‌گری مالی و بانک‌ها مشغول به فعالیت هستند.

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-22]

تعداد اولیه‌ی شرکت ها	شرکت های مشمول شرط ۱	شرکت های مشمول شرط ۲	شرکت های مشمول شرط ۳	شرکت های مشمول شرط ٤	شرکت های مشمول شرط ٥	تعداد شرکت های نمومه نهایی
٤٧٤	٤٢	٧٧	٥٩	١٨٩	٣١	٧٦

۶- روش جمع‌آوری داده‌ها :

در این پژوهش گردآوری اطلاعات در دو مرحله انجام می‌شود. در مرحله اول برای تدوین مبانی نظری پژوهش از روش کتابخانه‌ای و در مرحله دوم، برای گردآوری داده‌های مورد نظر از سایت‌های شرکت مدیریت فناوری بورس تهران، مدیریت پژوهش توسعه و مطالعات اسلامی و شبکه جامع کدال و نرم‌افزار رهاورد نوین استفاده شده است.

۷- روش تجزیه و تحلیل داده‌ها :

در این پژوهش ابتدا با استفاده از روش‌های کمی شامل ابزارهای موجود در آمار توصیفی نظیر میانگین، انحراف معیار و ضریب همبستگی پیرسون داده‌های مورد استفاده، تجزیه و تحلیل می‌شوند. هم‌چنین آزمون خطی برای بررسی این که بین متغیرها همبستگی وجود نداشته باشد، انجام خواهد شد. در نهایت، برای آزمون فرضیه‌های این پژوهش و تعیین اثر متغیرهای مستقل بر حق‌الزحمه حسابرسان متخصص صنعت، از مدل‌های اقتصادسنجی استفاده خواهد شد و فرضیه‌های مربوط از طریق تحلیل همبستگی به روش رگرسیون چند متغیره با تکنیک داده‌های ترکیبی آزمون می‌شوند. در همه‌ی تکنیک‌های آماری نیز از نرم‌افزارهای Excel و Eviews استفاده می‌شود.

۸- قلمرو مکانی و زمانی پژوهش :

قلمرو مکانی این پژوهش شامل کلیه‌ی شرکت‌های فعال در بورس اوراق بهادار تهران است که فاقد ویژگی‌های بیان شده در بخش جمعیت آماری باشند.

قلمرو زمانی این پژوهش شامل داده‌های شرکت‌های بورسی از ابتدای سال ۱۳۸۵ تا پایان سال ۱۳۹۱ می‌باشد.

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-22]

۹- مدل و متغیرهای پژوهش:

با توجه به چارچوب نظری و پیشینه‌ی پژوهش، برای منطبق‌سازی سطوح فرصت‌های سرمایه‌گذاری صنعت با پژوهش کهان و همکاران، از مدل تعدیل شده‌ی سیمونیک (۱۹۸۰) در معادله‌ی (۱) برای آزمون فرضیه‌ها استفاده می‌شود:

$$LNFEES = \alpha_0 + \alpha_1 FIOS_{it} + \alpha_2 SPEC_{it}*FIOS_{it} + \alpha_3 SPEC_{it} + \alpha_4 LNASSETS_{it} + \alpha_5 CATA_{it} + \alpha_6 DE_{it} + \alpha_7 ROA_{it} + \alpha_8 QUICK_{it} + \alpha_9 LOSS_{it} + \alpha_{10} BIG_{it} \quad (۱)$$

متغیرهای مدل به شرح زیر تعریف می‌شوند:

LNFEES برابر است با لگاریتم طبیعی حق‌الزحمه‌ی حسابرسی و طبق تعریف امانی و دوانی (۱۳۸۸)، شامل هرگونه وجهی است که بابت ارائه‌ی خدمات حسابرسی و طبق توافق یا قرارداد به حسابرس یا موسسه‌ی حسابرسی پرداخت می‌شود.

FIOS برابر است با فرصت‌های سرمایه‌گذاری. اگرچه معیارهای متفاوتی مانند Qتوبین (نسبت مجموع ارزش بازار حقوق صاحبان سهام و ارزش دفتری کل بدهی‌ها به ارزش دفتری کل دارایی‌ها)، E/P (نسبت سود به قیمت بازار هر سهم) و MTB (ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام) را می‌توان برای تبیین فرصت‌های سرمایه‌گذاری به کار برد، اما آدام و گویال (۲۰۰۳) و لوپز و ویسنته[1] (۲۰۱۰) اعتقاد دارند که نسبت MTB دارای بیشترین محتوای اطلاعاتی در رابطه با فرصت‌های سرمایه‌گذاری است.

Spec*FIOS معادل مازاد ناشی از تخصص است که از ضرب متغیر تخصص در متغیر فرصت‌های سرمایه‌گذاری (نسبت MTB) بدست می‌آید (کهان و همکاران، ۲۰۰۸).

Spec نشان‌دهنده‌ی تخصص حسابرس است و برای اندازه‌گیری آن، از رویکرد سهم بازار استفاده شده است. این رویکرد فرض می‌کند که با مشاهده سهم نسبی بازار مؤسسه‌های حسابرسی که به یک صنعت خاص خدمت ارائه می‌کنند، می‌توان به میزان دانش تخصصی صنعت مؤسسه‌ی حسابرسی پی برد. مؤسسه‌ای که سهم بزرگ‌تری از بازار را در اختیار دارد، از دانش تخصصی بالاتری در مورد آن صنعت خاص برخوردار است. سهم بازار حسابرس در این رویکرد به صورت زیر محاسبه می‌شود: مجموع دارایی‌های تمام صاحبکاران یک موسسه‌ی حسابرسی خاص در یک صنعت خاص، تقسیم بر مجموع دارایی‌های صاحبکاران در این صنعت

1. Lopez, I., F. and Vecente. C.

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-22]

و با پیروی از پام‌رز (۱۹۸۶)، موسساتی در این پژوهش به عنوان متخصص صنعت در نظر گرفته می‌شوند که سهم بازارشان بیش از [۱,۲× (شرکت‌های موجود در یک صنعت/۱)] باشد.

LNASSETS نشان‌دهنده‌ی لگاریتم طبیعی مجموع دارایی‌ها است (کهان و همکاران، ۲۰۰۸).

CATA سهم دارایی‌های جاری را از کل دارایی‌ها نشان می‌دهد (همان منبع).

DE برابر است با نسبت بدهی‌های بلندمدت به حقوق صاحبان سهام و بیان‌گر این موضوع است که شرکت برای تامین مالی دارایی‌هایش چه درصدی از حقوق صاحبان سهام و بدهی استفاده می‌کند (همان منبع).

ROA نشان‌دهنده‌ی نرخ بازده دارایی‌هاست و از تقسیم سود خالص بعلاوه هزینه بهره به مجموع دارایی‌ها بدست می‌آید (همان منبع).

QUICK این نسبت از تقسیم دارایی‌های جاری به بدهی‌های جاری بدست می‌آید و توان پرداخت بدهی‌های جاری از محل دارایی‌های جاری را بیان می‌کند (همان منبع).

LOSS اگر شرکت زیان خالص گزارش کند، عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر را برای این متغیر در نظر می‌گیریم (همان منبع).

BIG اگر شرکت توسط سازمان حسابرسی مورد حسابرسی قرار گیرد عدد یک، و در غیر این صورت عدد صفر را برای این متغیر در نظر می‌گیریم (همان منبع).

۱۰- آمار توصیفی

در جدول (۱)، نتایج آمار توصیفی متغیرهای پژوهش نشان داده شده است. نزدیکی میانه و میانگین در بیشتر متغیرها و همچنین سایر آماره‌های بدست آمده از متغیرها، نشان‌دهنده‌ی این موضوع است که کلیه متغیرها از توزیع مناسبی برخوردار هستند.

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-22]

جدول (۱): آمار توصیفی متغیرهای پژوهش*

متغیر ها	میانگین	میانه	انحراف معیار	بیشترین	کمترین
حق الزحمه حسابرسی	۱۹,۸۰۸۶	۱۹,۷۳۳۲۳	۰,۷۲۹۵۶۶	۲۲,۷۱۴	۱۶,۷۴۴۱۷
فرصت‌های سرمایه‌گذاری	۱,۴۲۰۴۸۹	۱,۲۶۸۵	۰,۶۸۹۳۲	۶,۴۵۷	۰,۳۲۳
مازاد ناشی از تخصص	۰,۸۱۴۴۱۸	۰,۹۳۲۹۱۹	۰,۷۸۷۸۵۱	۳,۹۵۹۵۲۵	۰
تخصص حسابرس	۰,۶۰۶۰۶۱	۱	۰,۴۸۹۰۸۵	۱	۰
مجموع داراییها	۱۲,۹۹۸۴۶	۱۲,۹۸۰۰۳	۱,۲۴۹۴۵۷	۱۸,۰۰۰۹۵	۹,۸۲۱۵۱۸
داراییهای جاری به کل دارایی‌ها	۰,۶۳۴۹۸۸	۰,۶۷۳۹۰۳	۰,۳۲۵۷۲۴	۶,۱۴۱۵۹۴	۰,۰۶۶۴۸۴
بدهی‌های بلندمدت به حقوق صاحبان سهام	۰,۲۹۰۳۷۴	۰,۱۴۹۶۵	۰,۴۵۸۵۶۶	۵,۹۶	۰,۰۰۳۷
نرخ بازده دارایی‌ها	۰,۱۳۶۷۰۹	۰,۱۲۰۵۸۶	۰,۱۱۷۵۸	۰,۶۳۱۳۴۳	-۰,۲۴۷۸۸
نسبت جاری	۱,۳۷۱۳۲۷	۱,۲۶۶۳۳۶	۰,۶۳۲۹۵۷	۵,۰۴۶۱۲۵	۰,۲۴۰۱۵۶
زیان	۰,۰۵۸۷۱۲	۰	۰,۲۳۵۳۰۸	۱	۰
اندازه موسسه حسابرسی	۰,۲۹۷۳۴۸	۰	۰,۴۵۷۵۲۵	۱	۰

*منبع: یافته‌های پژوهش

بیشتر بودن میانگین متغیرهای حق‌الزحمه و فرصت‌های سرمایه‌گذاری از میانه آن‌ها، نشان‌دهنده‌ی روند صعودی میزان حق‌الزحمه‌های حسابرسی و افزایش فرصت‌های سرمایه‌گذاری شرکت‌هااست. همچنین، از آنجایی که متغیرهای تخصص حسابرس، زیان و اندازه موسسه حسابرسی متغیرهای موهومی هستند(مقدار آن‌ها با صفر و یک تعیین می‌شود)، لذا نتایج آمار توصیفی برای آن‌ها قابل اتکا نیست.

همانطور که در جدول مشخص است، انحراف معیار متغیر مجموع دارایی‌ها بیش‌تر از سایر متغیرها است و این امر به دلیل اختلاف زیاد بیشترین و کمترین مقدار این متغیر از میانگین آن است.

۱۱- آمار استنباطی

همان‌گونه که در بخش مربوط به فرضیه‌های پژوهش نیز بیان شد، هدف این پژوهش بررسی تاثیر فرصت‌های سرمایه‌گذاری مختص شرکت‌ها بر حق‌الزحمه حسابرسان متخصص صنعت است. در همین راستا با توجه به مبانی نظری مطرح شده الگویی متشکل از سه متغیر

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-22]

مستقل تدوین شد. قبل از برازش الگو، آزمون تشخیصی F لیمر برای انتخاب از بین الگوهای داده‌های ترکیبی یا الگوی داده‌های تابلویی با اثرات ثابت با استفاده از نرم‌افزار Eviews انجام شد که نتایج آن در جدول (۲) آورده شده است.

جدول(۲): نتایج آزمون F لیمر*

آماره	سطح خطا	روش پذیرفته شده
۷,۹۵۰۰۱۱	۰,۰۰۰۰	الگوی داده‌های تابلویی

*منبع: یافته‌های پژوهش

همان طور که در جدول (۲) نیز قابل مشاهده است، نتایج حاکی از رد فرض H_0 بوده است، در نتیجه الگوی داده‌های تابلویی با اثرات ثابت پذیرفته شده است. بنابراین، لازم است برای انتخاب از بین الگوی داده‌های تابلویی با اثرات ثابت و الگوی اثرات تصادفی آزمون هاسمن نیز انجام شود. در ادامه نتایج مربوط به این آزمون در جدول (۳) آورده شده است.

جدول (۳): نتایج آزمون هاسمن*

آماره	سطح خطا	روش پذیرفته شده
٦٨,٦٢١٦٤٥	۰,۰۰۰۰	الگوی داده‌های تابلویی با اثرات ثابت

*منبع: یافته‌های پژوهش

همان‌طور که در جدول (۳) نیز قابل مشاهده است، نتایج حاکی از رد فرض H_0 است، در نتیجه روش الگوی داده‌های تابلویی با اثرات ثابت پذیرفته شده است. در نهایت با توجه به نتایج آزمون F لیمر و آزمون هاسمن، مدل پژوهش با استفاده از الگوی داده‌های تابلویی با اثرات ثابت به صورت زیر تخمین زده شده است. در ادامه نتایج مربوط به تخمین ضرایب متغیرها در جدول(۴) ارائه شده است.

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-22]

جدول (٤): نتایج تخمین ضرایب متغیرها*

متغیر	ضریب	آماره t	سطح خطا
فرصت‌های سرمایه‌گذاری	-۰,۰٦۳۸۷۹	-۲,۸۹۱٤٦٤	۰,۰۰٤۰
مازاد ناشی از تخصص	۰,۰٦۰۰۵۹	۲,۳٦٤۹۳۲	۰,۰۱۸۵
تخصص حسابرس	-۰,۳۰۱٤٤۵	-۳,۲۵۱۵۵۷	۰,۰۰۱۲
مجموع دارایی ها	۰,۷٤۳۳۷۵	۱۳,۱٤۸۷٤	۰,۰۰۰۰
داراییهای جاری به کل دارایی‌ها	۰,۰۱۳۷۵۸	۰,۱۷۸۵۰٤	۰,۸۵۸٤
بدهی‌های بلندمدت به حقوق صاحبان سهام	-۰,۰۹٦۱۳۹	-۱,۹۰۸۷۳۱	۰,۰۵٦۹
نرخ بازده دارایی‌ها	-۰,۳۵۳۲٦۱	-۱,۱۹۱۷٤۳	۰,۲۳٤۰
نسبت جاری	-۰,۰٤۱۲۰۸	-۰,۷۵۳۵۷۸	۰,٤۵۱۵
زیان	-۰,۰۷٦۳۰۷	-۰,۷۹۸۳۸٤	۰,٤۲۵۱
اندازه موسسه حسابرسی	۰,۳٦۵۲۳۱	۳,۲۳٦۸۹۹	۰,۰۰۱۳
عرض از مبدأ	۱۰,٤۱۳۲٦	۱۳,۷۲۹۷۰	۰,۰۰۰۰
Prob (F-statistic)	۰,۰۰۰۰		
F-statistic (P-Value)	۱۵,۸۰۷۵٦		
R-Squared	۰,۷۵۲٤۷۰		
Adjusted R-Squared	۰,۷۰٤۸٦۸		
Durbin–Watson Stat	۱,۸٤٤۵۲۲		

*منبع: یافته‌های پژوهش

با توجه به نتایج بدست آمده برای آماره‌ی F و سطح خطای آن در جدول (۴)، می‌توان بیان کرد که در سطح اطمینان ۹۹ درصد، در مجموع فرصت‌های سرمایه‌گذاری مختص شرکت‌ها بر حق‌الزحمه حسابرسان متخصص صنعت، تاثیر معناداری دارد. همچنین با توجه به ضریب تعیین تعدیل شده بدست آمده برای مدل پژوهش می‌توان بیان کرد که در مجموع متغیر های مستقل پژوهش بیش از ۷۰ درصد تغییرات متغیر وابسته را توضیح می‌دهند. حال در ادامه به بررسی نتایج به‌دست آمده مربوط به فرضیه‌های پژوهش می‌پردازیم.

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-22]

۱-۱۱- آزمون فرضیه‌ی اول

بر اساس فرضیه‌ی اول، حق‌الزحمه حسابرسان متخصص صنعت رابطه‌ی مثبت و معناداری با فرصت‌های سرمایه‌گذاری صاحبکار دارد. با عنایت به ضریب بدست آمده برای فرصت‌های سرمایه‌گذاری در جدول فوق (۰,۱۴) و سطح خطای محاسبه شده (۰,۰۰۱۱)، معناداری این رابطه مورد تایید قرار می‌گیرد اما جهت تاثیرگذاری متغیرها بر یکدیگر، بر خلاف انتظارات حاصل شد. یکی از دلایل بالقوه‌ی این تغییر را می‌توان در کیفیت افشای شرکت‌ها جست و جو کرد. زنجیردار و همکاران (۱۳۹۲) بیان می‌کنند که اگر شرکت به لحاظ گزارش‌گری خوش‌نام باشد، در مورد فعالیت‌های خود به نتیجه بهتری می‌رسد. از این رو مدیران به منظور بهبود عملکرد شرکت و مدیریت بهتر سرمایه در گردش، انگیزه پیدا می‌کنند تا اطلاعات حسابداری را به شکل کامل، قابل اتکا و به موقع در اختیار افراد برون سازمانی قرار دهند. بر اساس پژوهش ولی‌پور، مرادی و خادمی (۱۳۹۳) در شرکت‌هایی که دارای فرصت‌های رشد بالاتری هستند، کیفیت افشا بالاتر بوده و باعث جلوگیری از سوءاستفاده از جریان‌های نقد آزاد می‌شود که خود این امر منجر به افزایش ارزش شرکت می‌گردد. در نتیجه در شرکت‌های با فرصت‌های سرمایه‌گذاری بالاتر، به دلیل کیفیت افشای مناسب، حسابرس با ریسک کمتری در حسابرسی خود روبرو می‌شود که باعث کاهش حق‌الزحمه حسابرسی می‌گردد.

۲-۱۱- آزمون فرضیه‌ی دوم

فرضیه‌ی دوم به بررسی رابطه‌ی بین مازاد ناشی از تخصص و فرصت‌های سرمایه‌گذاری صاحبکار می‌پردازد. بر اساس این فرضیه، میان مازاد ناشی از تخصص و فرصت‌های سرمایه‌گذاری صاحبکار یک رابطه‌ی منفی و معنادار وجود دارد. نتایج بدست آمده از تخمین ضرایب متغیرهای مدل (جدول ۴)، بیانگر ضریب ۰,۱۴ در سطح خطای ۰,۰۳۷۳ برای مازاد ناشی از تخصص است. در نتیجه با توجه به کمتر بودن سطح خطای حاصل شده از سطح خطای مورد انتظار، معناداری این فرضیه نیز تایید می‌شود اما جهت تاثیرگذاری فرصت‌های سرمایه‌گذاری صاحبکار بر مازاد ناشی از تخصص در صنعت، برخلاف انتظار محاسبه شد. دلیل این نتیجه می‌تواند در میزان استفاده از گزارش حسابرسی توسط استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی و به‌خصوص سرمایه‌گذاران باشد. بر اساس نتایج بدست آمده از پژوهش غلامی، نجفلو و زنگی‌آبادی (۱۳۹۲)، میزان استفاده از گزارش حسابرسی در بین سرمایه‌گذاران در سطح مطلوبی نیست و آن‌ها در تصمیمات خود به نوع اظهارنظر گزارش حسابرسی توجهی ندارند. در چنین شرایطی که شرکت‌ها می‌توانند با صرف هزینه‌ی کمتر، به

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-22]

مقصود دلخواه خود برسند، دلیلی وجود ندارد تا هزینه‌ی بیشتری را صرف گزارش دقیق‌تر و با کیفیت‌تر یک حسابرس متخصص نمایند.

۱۲- نتیجه‌گیری:

شرکت‌ها همواره با فرصت‌های سرمایه‌گذاری روبرو هستند. نتایج پژوهش وکیلی‌فرد و همکاران (۱۳۹۲) که به بررسی رابطه‌ی بین کیفیت حسابرسی و فرصت‌های سرمایه‌گذاری پرداختند، نشان داد که شرکت‌هایی که از فرصت‌های سرمایه‌گذاری بالایی برخوردار هستند، برای مهار کردن مدیریت سود تقاضای بیشتری برای کیفیت حسابرسی بالا دارند. از طرفی کیفیت بالای گزارش حسابرسی، حق‌الزحمه‌ی بالاتر را در پی دارد. پس می‌توان نتیجه گرفت که شرکت‌هایی که با فرصت‌های سرمایه‌گذاری بالاتری روبرو هستند، باید حق‌الزحمه بالاتری را متحمل شوند. از این رو و با توجه به مباحث مطرح شده، دو فرضیه تدوین شد. فرضیه‌ی اول به این موضوع اشاره دارد که رابطه‌ی میان حق‌الزحمه حسابرسان متخصص و فرصت‌های سرمایه‌گذاری صاحبکار، یک رابطه‌ی مثبت و معنادار است. با توجه به شواهد بدست آمده، معناداری این فرضیه تایید اما جهت تاثیرگذاری متغیرها معکوس شد. دلیل این موضوع، کیفیت افشای شرکت‌های دارای فرصت‌های سرمایه‌گذاری بالا است. در این شرکت‌ها به منظور جلب نظر سرمایه‌گذاران کیفیت افشا بالا بوده و باعث می‌شود تا ریسک حسابرسی کاهش یافته و انجام حسابرسی تسهیل گردد. نتایج این فرضیه، برخلاف نتایج پژوهش‌های می‌هو و ویلکینز (۲۰۰۳) و فرانسیس و سیوی (۲۰۱۲) است. در فرضیه‌ی دوم به بررسی رابطه‌ی مازاد ناشی از تخصص و فرصت‌های سرمایه‌گذاری صاحبکار پرداختیم، که نتایج این فرضیه نیز بر خلاف انتظارات رقم خورد. دلیل این نتیجه را می‌توان در میزان استفاده از گزارش حسابرسی جستجو کرد. بر اساس نتایج بدست آمده از پژوهش غلامی، نجفلو و زنگی‌آبادی (۱۳۹۲)، میزان استفاده از گزارش حسابرسی در بین سرمایه‌گذاران در سطح مطلوبی نیست و آن‌ها در تصمیمات خود به نوع اظهارنظر گزارش حسابرسی توجهی ندارند. در نتیجه شرکت‌ها هزینه‌ی کمتری را صرف بهره‌گیری از حسابرسان متخصص می‌نمایند.

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-22]

۱۳- پیشنهادها

الف) پیشنهادهای کاربردی

۱. به مدیران شرکت‌هایی که با فرصت‌های سرمایه‌گذاری متعددی روبرو هستند، پیشنهاد می‌شود تا با بکارگیری حسابرسان متخصص، ریسک صورت‌های مالی حاوی تحریف با اهمیت را کاهش داده و به کمک راهنمایی‌های حسابرس خود، جذب سرمایه‌گذاران را تسهیل نمایند.

۲. به مدیران شرکت‌ها توصیه می‌شود که با بررسی فرصت‌های سرمایه‌گذاری بالقوه خود، از متناسب بودن حق‌الزحمه حسابرسی اطمینان حاصل نمایند.

ب) پیشنهاد برای پژوهش‌های آتی:

۱. انجام پژوهش حاضر با بکارگیری سایر روش‌های اندازه‌گیری تخصص حسابرس به جای رویکرد سهم بازار

۲. بررسی تاثیر فرصت‌های سرمایه‌گذاری بر ساختار سرمایه‌ی شرکت‌ها

۳. بررسی تاثیر میزان بدهی شرکت‌ها بر قبول یا رد فرصت‌های سرمایه‌گذاری

۴. انجام پژوهش حاضر برای شرکت‌های موجود در صنایع مختلف به صورت جداگانه و جزئی‌تر

۵. بررسی میزان کمی تاثیر فرصت‌های سرمایه‌گذاری بر حق‌الزحمه حسابرسی

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-22]

منابع:

۱- اسلامی بیدگلی، غلامرضا و بیگدلو، مهدی(تابستان ۱۳۸۵)؛ "همسنجی بازده و ریسک فرصت‌های جایگزین سرمایه‌گذاری در ایران"، **فصلنامه بررسی‌های حسابداری و حسابرسی**، شماره ۴۴، ۱۴۹-۱۷۵.

۲- اشرف‌زاده، سید حمیدرضا و مهرگان، نادر(۱۳۸۷)؛ "اقتصادسنجی پانل دیتا"، **موسسه تحقیقات تعاون دانشگاه تهران**، چاپ اول.

۳- امانی، علی و دوانی، حسین(۱۳۸۸)؛ "خدمات، حق‌الزحمه و رتبه‌بندی حسابرسان"، **روزنامه دنیای اقتصاد**، شماره ۱۹۹۸.

۴- آقایی، محمدعلی و ثقفی، علی و تقی نتاج، غلامحسین و اسدنیا، جهانبخش(۱۳۹۱)؛ "تاثیر اعلان سود فصلی شرکت‌ها بر تامین نیاز اطلاعاتی ذینفعان"، **فصلنامه علمی پژوهشی حسابداری مالی**، سال چهارم، شماره ۱۶، ۱-۳۹.

۵- زنجیردار، مجید و شفعتی، زهرا و کریمی تبریزی، مهدی(۱۳۹۲)؛ "مدیریت سرمایه در گردش و افشای کامل اطلاعات در بازار سرمایه تهران"، **فصلنامه علمی پژوهشی حسابداری مالی**، سال پنجم، شماره ۲۰، ۱۳۰-۱۴۸.

۶- غلامی، پرویز و نجف‌لو، محمود و زنگی‌آبادی، مصطفی(۱۳۹۲)؛ " بررسی میزان استفاده سرمایه گذاران از گزارش حسابرس"، **فصلنامه حسابدار رسمی**، شماره ۲۳، صص ۵۷-۶۷.

۷- نیک‌بخت، محمدرضا و تنانی، محسن(۱۳۸۹)؛ "آزمون عوامل مؤثر بر حق‌الزحمه حسابرسی صورت‌های مالی"، **مجله پژوهش‌های حسابداری مالی**، سال دوم، شماره دوم، شماره پیاپی(۴)، ۱۱۱-۱۳۲.

۸- وکیلی‌فرد، حمیدرضا و طالب‌نیا، قدرت‌الله و ملاآقاتباریانی(۱۳۹۱)؛ "بررسی رابطه بین کیفیت حسابرسی و فرصت‌های سرمایه‌گذاری در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، **کنفرانس ملی حسابداری، مدیریت مالی و سرمایه‌گذاری**، دانشگاه جامع علمی- کاربردی استان گلستان.

۹- ولی‌پور، هاشم و مرادی، جواد و خادمی، مهدی(۱۳۹۳)؛ " بررسی تأثیر کیفیت افشا بر رابطه بین وجه نقد آزاد و ارزش شرکت"، **فصلنامه مدیریت دارایی و تامین مالی**، فصل تابستان، شماره ۲، ۸۷-۹۸.

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-22]

10- Al-Harshani, M. O. (2008). "The pricing of audit services: evidence from Kuwait". **Managerial Auditing Journal**, Vol. 23, No. 7, Pp. 685-696.
11- Baber, W. R., S. N. Janakiraman, and S. H. Kang. (1996). "Investment opportunities and the structure of executive compensation". **Journal of Accounting and Economics**, Vol 21, Pp. 297-318.
12- Bills, K. L., D. C. Jeter, and S. E. Stein. (2013). "Auditor industry specialization and evidence of cost efficiencies in homogeneous industries". **Vanderbilt Owen Graduate School of Management Research Paper,** No. 2321741
13- Boo,El'Fred, Sharma, Divesh. (2008) "The association between corporate governance and audit fees of bank holding companies". **Corporate Governance**. Vol. 8, Iss. 1, Pp. 28-45.
14- Cahan, Steven F. and Godfrey, Jayne M. and Hamilton, Jane and Jeter, Debra C., (2008). "The Association between Client-Specific Investment Opportunities and Audit Fees of Industry Specialists". **Vanderbilt Owen Graduate School of Management**.
15- Cahan, S. F., J. M. Godfrey, J. Hamilton and D. C. Jeter. (2008). "Auditor specialization, auditor dominance, and audit fees: The role of investment opportunities". **The Accounting Review**, Vol. 83, Pp. 1393-1423.
16- Cahan, S. F., D. C. Jeter, and V. Naiker. (2011). "Are all industry specialist auditors the same?", **Auditing: A Journal of Practice and Theory**, Vol. 30, No. 4, Pp. 191-222.
17- Carson, E. (2009). "Industry Specialization by Global Audit Firm Networks". **The Accounting Review**, Vol 84, Pp. 355-382.
18- Craswell, A., J. Francis, and S. Taylor. (1995). "Auditor brand name reputation and industry specialization". **Journal of Accounting and Economics**, Vol 20, Pp. 297-322.
19- Deis, D. and G. Giroux. (1992), "Determinants of audit quality in the public sector". **The Accounting Review**, Vol. 67, No. 3, Pp. 462-479.
20- Demski ,J. & R, Swieringa . (1974). "A cooperative Formulation of the Audit Choice problem". **The Accounting Review**. Pp. 506-513.
21- Ferguson, A., J. Francis and D. Stokes. (2003). "The effects of firm-wide and office-level industry expertise on audit pricing". **The Accounting Review**, Vol 78, Pp. 429-448.
22- Ferguson, A., and D. Stokes. (2002). "Brand name audit pricing, industry specialization and industry leadership premiums post Big 8 and Big 6 mergers". **Contemporary Accounting Research**, Vol 19, Pp. 77-110.

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-22]

23- Francis, J. R., K. Reichelt and D. Wang. (2005). "The pricing of national and city-specific reputations for industry expertise in the U.S. audit market". **The Accounting Review**, Vol 80, Pp. 113-136.
24- Francis, J. R., and M. Yu. (2009). "Big 4 office size and audit quality". **The Accounting Review**, Vol 84, 1521-1552.
25- Francis, J. R., and S. E. Seavey. (2012). "Industry complexity, earnings quality, and auditor expertise". **University of Missouri, Columbia, and University of Nebraska**.
26- Jones, G. (1996). "**The Evolution of Internatioanl Business**". London: Routledge.
27- Jones, E. (1995). "**True and Fair A History of Price Waterhouse**". London: Hamish Hamilton.
28- Lim, Chee Yeow and Tan, Hun-Tong. (2010). "Does Auditor Tenure Improve Audit Quality? Moderating Effects of Industry Specialization and Fee Dependence". **Singapore Management University School of Accountancy Research.** Paper No. 2014-07.
29- Lopez, I., F. and Vecente. C. (2010). "Do Leverage, Dividend Payout, and Ownership Concentration Influence Firms' Value Creation?". **Emerging Markets Finance and Trade**, Vol. 46, No. 3, Pp. 80-94.
30- Mayhew, B. W., and M. S. Wilkins. (2003). "Audit firm industry specialization as a differentiation strategy: Evidence from fees charged to firms going public". **Auditing: A Journal of Theory and Practice**, Vol. 22, Pp. 33-52.
31- O'Keefe, T. B., R. D. King, and K. M. Gaver. (1994). "Audit fees, industry specialization, and compliance with GAAS reporting standards". **Auditing: A Journal of Theory & Practice**, Vol. 13, Pp. 41-55.
32- Palmrose, Z. (1986). "Audit Fees and Auditor Size: Further Evidence", **Journal of Accounting Research**, 24, pp. 97–110.
33- Pearson, T., and G. Trompeter. (1994). "Competition in the market for audit services: The effect of supplier concentration on audit fees". **Contemporary Accounting Research**, Vol 11, Pp. 115-135.
34- Simunic. D. (1980). "The pricing of audit services: theory and evidence". **Journal of Accounting Research**, Vol. 18, Pp. 161-190.
35- Stanley, Jonathan D. and Dezoort, Todd. (2007). "Audit Firm Tenure and Financial Restatements: An Analysis of Industry Specialization and Fee Effects". **Journal of Accounting and Public Policy**, Vol. 26, No. 2, Pp. 131-159.
36- Tim Adam & Vidhan K.Goyal, (2006), "The investment opportunity set and its proxy variables: theory and evidence", **M.I.Tsloan school of management**.

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-22]